

Investigating the Contradiction in the Scripture Questions of the Sinners in the Holy Quran

Farhad Mohamadinejad*

Mohammad Ali Rezaee Isfahani**

Hosein Aghayarluoo***

Abstract:

Some of the verses of the Qur'an describe the resurrection and its events, including the status of criminals in the resurrection. In the meantime, verses make it clear that interrogation and questioning of criminals and their actions are required, and emphasizes that questioning of the general public - including sinners - and even reports of divine messengers and some of them, on the lack of questioning of criminals and their criminal actions signify. Hence, between the implications of these two categories of verses, inconsistency and inconsistency have emerged. The commentators of the Holy Qur'an have tried to correct the above contradiction by explaining the verses correctly and based on their effort and explanation of the factors that caused the illusion of disagreement between the two categories of verses, disregard for the location of the question, dispute over the question. In the verses, ignoring the conditions of contradiction between the two statements and ultimately ignoring the rules of interpretation. The efforts of the commentators of the Holy Quran to resolve the inconsistencies of these two verses, although blessed and open, are dispersed on the one hand, and all the answers have not been gathered together, and on the other hand have not eliminated all ambiguities and bugs. The present study seeks to answer its representations by examining the verses concerned and by applying the rules of interpretation, the number of questions, the negation of the real question, and the proof of the virtual question, as well as the expression of the plurality of the hereafter. This article discusses the verses of the sinner's question first and then the contradictory verses. The method of data collection in this research is by library study and its approach is analytical and critical. The findings of the study invalidate the contradiction between these two categories of verses.

Keywords: The Holy Quran, Resurrection, Question, Sinners, Contradiction.

* Assistant Professor in Department of Theology, Payam Noor University, Qom, Iran.
f_mohamadinejad@yahoo.com

** Professor in Department of Quran Science and Hadith, Al-Mustafa Al-Almiyah Society, Qom, Iran.
Rezaee.quran@gmail.com

*** PhD Student of Islamic Studies, Payam Noor University, Qom, Iran.
(Corresponding Author) h.agayarluoo@gmail.com

(مقاله علمی - پژوهشی)

تناقض‌نمایی آیات پرسمان گناهکاران در قرآن کریم

فرهاد محمدی نژاد*

محمد علی رضائی اصفهانی**

حسین آقاییارلو***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۹

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

بخشی از آیات قرآن کریم به توصیف قیامت و رویدادهای آن از جمله وضع مجرمان در قیامت می‌پردازد. از این میان، آیاتی استنطاق و پرسش از مجرمان و اعمالشان را حتمی می‌انگارد و به تأکید، پرسش از عموم مردم، گناهکاران و حتی فرستادگان الهی را گزارش می‌دهد و پاره‌ای دیگر از آن، بر عدم پرسش از مجرمان و افعال مجرمانه‌شان دلالت دارد. از این رو، بین دلالات این دو دسته از آیات، ناسازگاری و تناقض (ظاهری) پدیدار شده است. مفسران قرآن کریم کوشیده‌اند با تبیین درست آیات، تناقض یاد شده را مرتفع سازند. عدم توجه به موقعیت مکانی پرسش، اختلاف موضوع پرسش در آیات، توجه نداشتن به شرائط تناقض بین دو گزاره و نهایتاً عدم توجه به قواعد تفسیر از جمله پاسخ‌هایی است که به این تناقض ظاهری داده شده است. پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی آیات مورد نظر و گونه‌شناسی آیات پرسمان گناهکاران، ضمن بهره‌مندی از قواعد تفسیر، تعدد پرسش‌ها، نفی پرسش حقیقی و اثبات پرسش‌های مجازی و نیز بیان تعدد مواضع در آخرت را تبیین نموده و به تناقض‌نمایی‌های این دسته آیات قرآنی، پاسخی مستدل ارائه کند.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، قیامت، پرسش، گناهکاران، تناقض.

f_mohamadinejad@yahoo.com

* استادیار گروه الهیات دانشگاه پیام نور قم، ایران.

Rezaee.quran@gmail.com

** استاد گروه علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

*** دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه پیام نور قم، ایران. (نویسنده مسئول)

h.agayarlouo@gmail.com

طرح مسئله

تناقض و چند گونه‌گویی از آفت‌ها و کاستی‌های کلام و ویژه متکلمی است که یا به تمام دانش‌ها و معانی واژه‌ها احاطه ندارد، یا خود خواسته و برای مصالح یا منافی به نقض‌گویی دچار می‌آید، یا در سخن و رأی دچار تغییر می‌شود. اما قرآن کریم که کلام خداوند حکیم است و در بازه‌ای از زمان طولانی و به تدریج و به اقتضای شرایط نازل شده است در بردارنده هیچ‌یک از این ریشه‌ها یا انگیزه‌های نقض‌گویی نیست و لذا هیچ‌گونه تناقض‌گویی در آن پذیرفته نخواهد بود، بنابراین قرآن کریم که مکتوب یا فرآورده بشری نیست از هرگونه اعوجاج و ناسازگاری دور خواهد بود. مبتنی بر منطق قرآن، اگر این کتاب، در بردارنده گزاره‌های غیر وحیانی و از ناحیه غیر خدا بود، اختلافات فراوانی در آن قابل رهگیری بود.

با این حال، برخی با گزینش و نگاه ظاهرگرایانه، و با یافتن موارد تناقض‌نما ایده‌ی بشری بودن این کلام را پررنگ می‌کنند. به عنوان نمونه دکتر سها با در کنار هم قرار دادن دو دسته از آیات که یکی بر پرسش از مجرمان و دیگری بر عدم آن دلالت دارد، به تناقض در قرآن رأی داده است (سها، ۱۳۹۳، ص ۷۸۷). حال آن‌که ناسازگاری محتوایی بین برخی مضامین آیات از یک سو به خاطر اسلوب ویژه قرآن در بیان مقاصد خود می‌باشد که در عین روشنی و شفافیت، از نظر شیوه‌های بیانی اسلوبی مرکب دارد، از سوی دیگر بسیاری از موارد تناقض‌نما به دلیل بی‌توجهی به تفاوت شرایط و موقعیت‌های سخن است. با این حال این مدعیان به عنوان نمونه معتقدند بین دو دسته از آیاتی که در توصیف قیامت و رویدادهای آن از جمله پرسش از مجرمان را محتمم می‌انگارد با آیاتی که پرسش از مجرمان را نفی می‌کند، یا آیاتی که گفتگوی مجرمان با یکدیگر و همپرسی را نفی می‌کنند و آیاتی که بر گفتگو و پرسش بین مجرمان دلالت دارد و نیز آیات نافی عذرخواهی مجرمان با آیات مثبت عذرخواهی گناهکاران تناقض و ناسازگاری وجود دارد.

قرآن کریم افزون بر آن که ناسازگاری در آیات را منتفی می‌داند، خود را روشنگر و تبیین‌کننده هر چیزی می‌خواند، از این رو، باید جدا از معرفت‌های بیرونی و متکی بر داده‌های قرآن، بتوان این تناقض را مرتفع ساخت؛ زیرا کتابی که روشنگر هر چیز است، به طریق اولی، روشنگر خود نیز خواهد بود. ضمن آن‌که معرفت‌های بیرونی ما و از جمله عطف توجه به قواعد تفسیر و در نظر داشتن شرایط منطقی تناقض نیز در برطرف کردن این ناسازگاری‌های احتمالی مؤثر و مدد رسان است.

با آن‌که این مقاله عهده‌دار پاسخ به تناقض‌نمایی آیات پرسمان گناهکاران در قیامت و از جمله مدعیات دکتر سهاست، اما پیش از آن به نمونه‌های دیگری از پرسمان در قیامت می‌پردازد

و در عین حال بر این نکته تأکید می‌ورزد تناقض در آیات قرآن - که خود را مبین و روشن و پیراسته از اعوجاج می‌داند - کتاب خدا را دچار خود نقضی خواهد ساخت. بنابراین ما در این مقاله با یاد کرد آیات پرسمان و تأکید بر دو دسته از آیات پرسمان یا عدم پرسمان گناهکاران، ضمن اشاره به تناقض‌های احتمالی موارد تناقض‌نما را، با تأمل و دقت در فضا و فحوای دو دسته از آیات یاد شده و با بهره‌مندی از قواعد تفسیر از جمله قاعده سیاق و نفی پرسش حقیقی و اثبات پرسش‌های مجازی و نیز استناد به شرائط منطقی تناقض، اعوجاج و ناسازگاری ادعایی را پاسخ خواهیم گفت.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های انجام شده درباره این موضوع هر چند نه به شکل منسجم و متمرکز، بلکه به نحو پراکنده و در لابه‌لای تفاسیر و کتبی همانند البرهان فی علوم القرآن زرکشی، الاتقان فی علوم القرآن سیوطی، شبهات و ردود معرفت، مفاتیح الغیب فخر رازی، مجمع‌البیان طبرسی، المیزان فی تفسیر القرآن علامه طباطبائی آمده است، همچنین مستنصر میر مقاله‌ای تحت عنوان گفتگو در قرآن دارد که در کتاب ادبیات قرآن که مجموعه‌ای از مقالات قرآنی وی است، چاپ شده و در بخش کوتاهی از آن به این مسئله پرداخته است. اما هیچ‌یک از این آثار، آیات متناقض‌نما و پاسخ بدان را یکجا گردآوری نکرده، ضمن آن‌که پاسخ به پاره‌ای از ابهامات را - شاید به دلیل بسندگی به حل بخشی از سؤالات و ابهامات - فروگذار کرده است. این مقاله درصدد است با مراجعه به مجموعه آیات و توجه به قواعد تفسیری و با بهره‌گیری از شیوه تحلیلی توصیفی، تلاش‌های عالمان و مفسران را به صورت تقسیم‌بندی منسجم و متمرکز واکاوی نماید و مواردی که پیش‌ازین کمتر به آن‌ها پرداخته شده است را بررسی و نقد کند.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. موافقین و مخالفین تناقض در قرآن کریم

اختلاف و تناقض با آنکه وضوح معنایی دارند، و اختلاف می‌تواند بین دو کس یا دو متن و گزاره باشد بر خلاف تناقض که همواره آن را به دو متن یا دو گزاره معطوف می‌داریم و نه دو کس و در تازه‌ترین معانی فارسی، اختلاف را به دگرسانی (انصاف پور، ۱۳۸۴، ص ۳۲) و تناقض را به همپادی (انصاف پور، ۱۳۸۴، ص ۳۲) برگردان کرده‌اند، اما مناسب است در اینجا یک گزارش کلی از موافقین و مخالفین تناقض در قرآن ارائه شود.

برخی مانند دکتر سها معتقدند قرآن در بردارنده تناقض است و پاره‌ای از آیات آن با پاره‌ای دیگر، ناهمخوان و ناسازگار است. وی می‌نویسد: «یکی از تناقضات دیگر قرآن این است که بعضی آیات می‌گویند که در قیامت از مجرمان در مورد اعمال خطایشان سؤال نمی‌شود «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن: ۳۹) در روز قیامت از گناه انسان و جن سؤال نمی‌شود. ولی آیات متعدد دیگر می‌گویند که در قیامت مجرمان از اعمال و گناهانشان مورد سؤال واقع می‌شوند. مانند؛ «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (حجر: ۹۳-۹۲)؛ پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید از آنچه انجام می‌دادند، که شامل نیک و بد می‌شود (سها، ۱۳۹۳، ص ۷۸۷). و برخی مانند فایرستون بر مسئله‌ی ناسازگاری آیات قرآن در خصوص جنگ تأکید می‌کند (ولایتی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۷).

اما مفسران معتقدند قرآن وحی الهی است و هیچ‌گونه ناسازگاری و تناقض در آن راه نمی‌یابد (مانند: ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۵۲۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۲۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۸، ص ۹۴).

۲-۱. پرسمان، سؤال و استفهام

پرسمان هر چند از ریشه پرسش است که در زبان فارسی اسم مصدر پرسیدن است، و در معنای سؤال، پژوهش، بازخواست و احوال‌پرسی به کار می‌رود (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۶۳) اما به دلیل نو ترکیب یافتگی، این واژه در کتب لغت پیشینیان نیامده است. اما فرهنگ‌های فارسی جدید آن را به معنای مسأله، موضوع یا امری که نیاز به بررسی، پژوهش و راه حل دارد، دانسته‌اند (انصاف پور، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵). اما سؤال در لغت از ریشه سأل به معنای طلب و درخواست شناخت، یا چیزی است که انسان را به شناخت نزدیک کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۳۷). به دیگر معنا، گاه سؤال خواستار فهم و معرفت اجمالی و گاه خواهان شناخت و معرفت تفصیلی است. با این همه، نمی‌توان جهل اجمالی یا تفصیلی را همواره منشأ پرسش انگاشت؛ زیرا در پرسش‌های انکاری- که از این اسلوب در قرآن کریم فراوان استفاده شده است- علم پرسشگر مفروض، بل محرز است. استفهام اما از باب استفعال و یکی از اقسام انشاء در بردارنده این معانی است:

۱. خواستن و طلب آگاهی و علم (ابن منظور، ۱۴۱۰، ج ۱۲، ص ۴۵۹).

۲. استخبار و به معنای چیزی که علم بدان وجود داشته، ولی خوب فهمیده نشده است

(ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۳۸).

۳. جستجوی چیزی که در ضمیر مخاطب وجود دارد یا درخواست دستیابی به تصویر ذهنی (جرجانی، ۱۴۲۱، ص ۲۲).

مبتنی بر سخن جرجانی، فاعل استفهام پیش از استفهام پاسخ یا تصویر ذهنی از امر استفهامی در اختیار دارد و با استفهام می‌خواهد تصویر ذهنی‌اش استقرار و استحکام یابد. دو واژه سؤال و استفهام در قرآن به دو صورت آمده است: یا سؤال و استفهام حقیقی و به قصد شناخت یک مطلب و کسب اطلاع است (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۳۴) مانند آیه شریفه «فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةَ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَنَأَجُزٌ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْعَالِيْنَ» (شعراء: ۶۱)؛ هنگامی که ساحران آمدند، به فرعون گفتند: آیا اگر پیروز شویم پاداش مهمی خواهیم داشت؟.

در اینجا سؤال‌کنندگان نسبت به امر مورد سؤال هیچ‌گونه آگاهی نداشتند و لذا پرسش‌شان، پرسش حقیقی و برای درک واقعیت قصه بود. اما گاه سؤال و استفهام برای کسب اطلاع و آگاهی نیست؛ بلکه برای اهداف دیگری چون توییح، تقریر و انکار است که بدان استفهام مجازی گفته می‌شود، یعنی هدف گوینده غیر از کسب اطلاع و شناخت است (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۳۴) مانند آیه شریفه «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره: ۴۴)؛ آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید با این که شما خودتان کتاب (آسمانی) را می‌خوانید، آیا هیچ فکر نمی‌کنید؟. خداوند در قالب استفهام مجازی یکی از سران یهود را توییح و سرزنش می‌کند که چرا دیگران را به خیر دعوت می‌کنی، ولی خود آن را انجام نمی‌دهی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۱۵). ظرافت آیه در این است که آنان که دیگران را به نیکی امر می‌نمایند، خود را قاعدتاً به لحاظ فهم مصالح و درک حقایق در موضع برتر می‌یابند و در حقیقت خویشتن را عقلای قوم بر می‌شمرند در حالی که قرآن در اینجا آنان را نسبت به وانهادن عقل و عدم خرد پیشگی، سرزنش می‌کند. گویی آنان از ظرفیت عقلانی خویش فقط برای بهره‌مندی دیگران استفاده می‌کنند و خود را در این بهره‌مندی سهیم نمی‌سازند و شگفتی این نکته به پرسش توییحی توأم با تعجب منتهی شده است: «أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؟ به تعبیر روشن‌تر انسانی که در مقام نصیحت دیگران و راهبری آنان قرار می‌گیرد، مردم را به دلیل کاستی‌های معرفتی و عملی، شایسته توییح و سرزنش می‌یابد و قرآن با به کارگیری استفهام مجازی و توییحی، آنان را به توییح و ملامت، سزاوارتر از دیگران می‌یابد.

۲. تصویری کوتاه از قیامت و پرسمان در آن

جهان آخرت، وراى محدودیت‌های جهان مادی و دنیوی است و چون انسان مادامی که در جهان مادی زندگی می‌کند، نمی‌تواند همه حقایق عالم فرا مادی را - آن‌گونه که هست - فهم کند؛ از

این رو قرآن کریم گذرا و با زبانی قابل فهم و نیز با یک تصویر اجمالی، توصیف و ترسیم از قیامت را بر عهده داشته است. این آیات نیم‌رخ‌ی از آن تصویر است:

- در آن جهان هیچ کس بدون اذن خداوند متعال سخن نمی‌گوید: «يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (هود: ۱۰۵).

- همه حقایق پنهان آشکار می‌گردد: «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» (طارق: ۹).

- تمام اعمال بندگان در برابرشان تجسم و حضور می‌یابند: «يَوْمَئِذٍ يَصُدُّ النَّاسُ أَلْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ * فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله: ۸-۶) و «يَوْمَ نَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا» (آل عمران: ۳۰).

- همه نسبت به اعمالشان مورد پرسش و بازخواست قرار می‌گیرند: «فَوَرَّيْكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (حجر: ۹۳-۹۲) امت باشند یا پیامبران امم: «فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ» (اعراف: ۶).

فیض کاشانی محتوای سؤال از اُمم و پیروان را به قبول رسالت و اجابت رسل و سؤال از پیامبران را به ادای رسالت و تبلیغ احکام گره زده و گمانه زنی کرده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۸۰). شیخ محمود شلتوت نیز پرسش از امت‌ها را به عملکرد خیر یا شر آنان در برابر دعوت پیامبران و پرسش از پیامبران را نیز به (چگونگی) تبلیغ اقوام، چگونگی مواجهه مردم با دعوت و تبلیغ پیامبران و منزلت اجتماعی مردم در نگاه پیامبران، وابسته ساخته است (شلتوت، ۱۳۸۲، ص ۵۶۰).

زحیلی، محتوای سؤال از پیامبران را ابلاغ رسالت خوانده (زحیلی، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۵۰۰) و بقلی شیرازی معتقد است از مردم درباره حفظ حرمت پیامبران و از پیامبران درباره دو چیز سؤال می‌شود؛ اینکه آیا به اندازه فهم مخاطب سخن گفته و آیا ابلاغ پیام از سر دلسوزی بوده است یا خیر (بقلی شیرازی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۳۳). با این همه پرسش از امت‌ها و پرسش از پیامبران نه به لحاظ فحوا یکسان است - چنان که گذشت - و نه به لحاظ شکل و شمایل همگون است؛ زیرا پرسش از مردم، تقریری و توبیخی و پرسش از پیامبران استشهادی (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۲۸، ص ۱۰۴) یا سؤال از مردم افضاحی و سؤال از پیامبران افضاحی است (قرطبی، ۱۴۲۶، ج ۷، ص ۱۴۷) شاید همین نکته رمز تکرار «لنسالن» در آیه پیش گفته است (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۲۸، ص ۱۰۴).

میبدی نیز سؤال از مردم را تعذیبی و سؤال از پیامبران را تشریفی خوانده است (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۵۵۹) با این همه قرآن در آیه دیگری به صراحت، مقصود پرسش از امم را

عیان ساخته است: «و یَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ» (قصص: ۶۵)؛ از روزی که خداوند مردم را فراخوان می‌دهد و می‌گوید به پیامبران چه پاسخی گفتید، بیمناک باشید. چنان‌که منظور پرسش از پیامبران «یَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ» (مائده: ۱۰۹) هراسناک باشید از روزی که خداوند پیامبران را گرد هم می‌آورد و می‌گوید مردم در برابر دعوت شما چه پاسخی دادند.

باری قرآن کریم از گفتگوی بهشتیان با جهنمیان و نیز گفتگوی اهل دوزخ با خود در بسیاری از آیات یاد کرده است: «فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ» (مدثر: ۴۲-۴۰)؛ آن‌ها در باغ‌های بهشتند و سؤال می‌کنند از مجرمان: چه چیز شما را به دوزخ فرستاد؟ و «و نَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» (اعراف: ۴۴)؛ و بهشتیان دوزخیان را ندا داده که ما آنچه را پروردگاران به ما وعده داده بود همه را حق یافتیم، آیا شما هم آنچه را پروردگاران به شما وعده داده بود حق یافتید؟ در این هنگام ندا دهنده‌ای در میان آن‌ها ندا می‌دهد که لعنت خدا بر ستمگران باد.

۳. گونه‌شناسی آیات پرسمان در قیامت

آیات پرسمان در قیامت، همه از یک سنخ نیستند ما در اینجا و به شکل گذرا به مهم‌ترین گونه‌های آیات پرسمان در قیامت می‌پردازیم.

۱-۳. گونه‌شناسی شکلی و ساختاری

- ۱) آیاتی که در آن واژه «سئل» و مشتقات آن به کار رفته است مانند: «وَفُفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْتَوْلُونَ» (صافات: ۲۴) و «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (حجر: ۹۲).
- ۲) آیاتی که در آن واژه ندی و مشتقات آن به کار رفته است مانند: «و یَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِي» (فصلت: ۴۷).

۳) آیاتی که در آن از واژه «قول» و مشتقات آن استفاده شده است مانند: «و یَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَ مَا يَعْْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ» (فرقان: ۱۷) و «تَمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُحْزِبُهُمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِي الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقِقُونَ فِيهِمْ» (نحل: ۲۷).

۴) آیاتی که در آن فقط ندا به کار رفته است مانند: «و یَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ» (انعام: ۱۲۸) یا از حرف ندا استفاده شده است مانند: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي» (انعام: ۱۳۰).

۵) آیاتی که در آن ترکیبی از ندا، قول و ادات پرسش مانند: «وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ» (قصص: ۶۵) یا ندا و ادات پرسش مانند: «يَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَتَيْنَ شُرَكَائِي» (فصلت: ۴۷) یا قول و ادات پرسش مانند: «وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ» (فرقان: ۱۷) یا قول و نداء مانند: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أُضَلَّلْنَا مِنَ الْإِنْسِ وَالْإِنْسِ يُجْعَلُهُمَا خُتْمًا أَفْءَامًا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ» (فصلت: ۲۹) به کار رفته است.

۳-۱. گونه شناسی پرسش، پرسشگر و پرسش شونده

۱) عدم پرسش شامل:

- عدم پرسش خدا از اعمال مردم: «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن: ۳۹)
- عدم پرسش خدا از مسلمانان نسبت به اعمال امت‌های دیگر: «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (بقره: ۱۳۴)
- عدم پرسش مردم از همدیگر: «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ» (مؤمنون: ۱۰۱)

۲) پرسش شامل:

- پرسش همگانی: «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (حجر: ۹۲)
- پرسش از مجرمان: «وَوَفَّوهُمُ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات: ۲۴)
- پرسش خدا از مجرمان: «وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَتَيْنَ شُرَكَائِي» (فصلت: ۴۷)
- پرسش مؤمنان از مجرمان: «فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ» (مدثر: ۴۰)
- پرسش از اجنه: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي» (انعام: ۱۳۰)
- پرسش از ملائکه: «وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ» (سبأ: ۴۰)
- پرسش از پیامبران: «فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ» (اعراف: ۶)
- پرسش خاص از عیسی: «وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِهْبِينَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (مائده: ۱۱۶)

چنان‌که گفته شد تأکید اصلی مقاله بر تناقض پرسش و عدم پرسش از گناهکاران است اما این تناقض‌نمایی در امور دیگر نیز وجود دارد که اینک فهرست می‌شود.

۴. دسته بندی آیات تناقض‌نما

آیات تناقض‌نما به سه دسته کلی تقسیم می‌شود:

- آیاتی که مربوط به پرسش یا عدم پرسش خداوند از مجرمان است.

- آیاتی که مربوط به پرسش یا عدم پرسش مردم از یکدیگر در قیامت است.
 - آیاتی که مربوط به عذرخواهی مجرمان یا عدم عذرخواهی ایشان در قیامت است.
- که در مجموع با شش دسته از آیات مواجه خواهیم بود.

۴-۱. آیات نافی پرسش خداوند از مجرمان

- (۱) «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن: ۳۹) پس در آن روز از گناه هیچ یک از آدمیان و اجنه، پرسش (و بازخواست) نمی‌شود.
- (۲) «وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ» (قصص: ۷۸)؛ از گناه مجرمان (بزهکاران) پرسش (و بازخواست) نمی‌شود.

آیه اول به شکل مطلق پرسش را در قیامت نفی می‌کند، و آیه دوم پرسش از مجرمان را نفی می‌نماید. اما ادامه آیات سوره الرحمن که می‌فرماید: «يُعْرِضُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ» نشان می‌دهد، آیه نخست نیز بر نفی پرسش از مجرمان تأکید دارد، چرا که جمله «يُعْرِضُ الْمُجْرِمُونَ» استیناف بیانی است و به این نکته می‌پردازد که چرا از مجرمان سؤال نمی‌شود (رشید رضا، ۱۴۲۸، ج ۸، ص ۲۵۴) در واقع چون مجرمان با رخسار شناخته می‌شوند (صادقی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۹) و با رنگ سیاهی که دارند، از بهشتیان سفیدرو باز شناخته می‌شوند (سید قطب، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۴۹) از آنان سؤال نمی‌شود.

۴-۲. آیات مثبت پرسش خداوند از مجرمان

- (۱) «فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ» (اعراف: ۶)؛ بی‌گمان از کسانی که پیامبران را به سوی آنان فرستادیم، می‌پرسیم و از پیامبران نیز. البته فقط بخش نخست آیه به پرسش از امم و مجرمان اشاره دارد و بخش دوم آیه به پرسش از پیامبران توجه داده است. برخی معتقدند از پیامبران پرسش می‌شود، تا با پاسخ آن‌ها عذاب کافران افزون گردد (محمد المدرس، ۱۴۳۵، ج ۳، ص ۲۴۱).

- (۲) «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (حجر: ۹۲) پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان سؤال (و بازخواست) خواهیم کرد. روشن است که، اگر سؤال را در اینجا به بازخواست - چنان‌که برخی از مترجمان این‌گونه ترجمه کرده‌اند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۳۵۶) - تأویل ببریم، شامل پیامبران نمی‌شود؛ زیرا خداوند معصومان را بازخواست نمی‌کند.

- (۳) «وَقَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات: ۲۴)؛ (بر صراط دوزخ) نگاهشان دارید که بی‌گمان پرسش (و بازخواست) می‌شوند. از عمده‌ترین سؤال‌هایی که از آنان می‌شود بدعت‌هاست

- (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۹، ص ۳۵) چنان‌که برخی گفته‌اند از اعمال و عقاید انسان در آنجا پرسیده می‌شود (شبر، ۱۴۳۱، ج ۵، ص ۱۸۸).
- ۴) «تَاللّٰهُ لَئِن سَأَلْتُمْ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ» (نحل: ۵۶)؛ به خدا سوگند که در برابر دروغبافی خود پرسش (و بازخواست) خواهید شد.
- ۵) «وَلَئِن سَأَلْتُمْ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۳) بی‌گمان در برابر کردارتان پرسش (و بازخواست) می‌شوید.
- ۶) «وَلَئِن سَأَلْتُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (عنکبوت: ۱۳)؛ و بی‌شک در روز قیامت در برابر دروغبافی خود پرسش (و بازخواست) می‌شوند.
- ۷) «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ» (انبیاء: ۲۳)؛ و خدا از کرده خویش بازخواست نمی‌شود و آنان (مشرکان و مجرمان) سؤال می‌شوند.

۳-۴. آیات نافی پرسش مردم از یکدیگر در قیامت

- ۱) «فَلَا أُنسَبُ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ» (مؤمنون: ۱۰۱)؛ (چون در صور دمیده شود) پس همه پیوندها می‌گسلد و (مردم از حال) یکدیگر نمی‌پرسند.
- ۲) «فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ» (قصص: ۶۶)؛ در آن روز خبرها از آنان (مشرکان) پوشیده می‌ماند و از یکدیگر نیز پرسش نمی‌کنند.

۴-۴. آیات مثبت پرسش مردم از یکدیگر در قیامت

- ۱) «وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ» (صافات: ۲۷) برخی از آنان (مجرمان) روی به یکدیگر کرده (و پرخاشگرایانه) از هم می‌پرسند.
- ۲) «فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ» (صافات: ۵۰) پس بعضی از آنان (بهشتیان) بر برخی دیگر روی آورده، از همدیگر می‌پرسند. از آنجا که پس از نفخ صور و برخاستن از قبور، هر کسی به وضع آشفته خویش می‌اندیشد، در آنجا تساءول و پرس و جو کردن مردم از احوال یکدیگر معنا نمی‌دهد، اما آیات دیگری که آن را اثبات می‌کنند مربوط به پس از نفخه صور و حسابرسی است.

۵-۴. آیه نافی عذرخواهی مجرمان در قیامت

- «هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطُفُونَ * وَلَا يُؤَدُّنَ لَهُمْ فِعْزَئِرُونَ» (مرسلات: ۳۶-۳۵) امروز، روزی است که دهان نمی‌گشایند و بر آنان اذن پوزش طلبی داده نمی‌شود.

۴-۶. آیه مثبت عذرخواهی مجرمان در قیامت

«وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمْ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ * ثُمَّ لَمْ يَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» (انعام: ۲۳-۲۲)؛ در آن روز، همه را گرد هم می‌آوریم، پس از مشرکان می‌پرسیم، معبودهایتان که آنان را هم‌تیمان خدا می‌دانستید، کجایند؟ سپس پاسخ و عذرشان جز این نیست که می‌گویند: سوگند به خدایی که پروردگار ماست، ما هم‌تاگرا و مشرک نبودیم.

۵. پاسخ به تناقض‌نمایی آیات پرسمان گناهکاران

۵-۱. مانعة الجمع بودن کتاب هدایت و تناقض‌گویی آن

اولین و اجمالی‌ترین پاسخ به تناقض‌های ظاهری آیات پیش گفته آن است که قرآن کتاب هدایت و روشنی بخش است و تناقض و تنافی آیات، به سردرگمی مخاطب و ابهام در دلالات منتهی خواهد شد و این مخالف فلسفه نزول آیات است. قرآن می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِیَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره: ۲۱۳)؛ خداوند به همراه پیامبران کتاب حقی را فرو فرستاده است، تا با آن در آنچه مردم اختلاف دارند، حکم نمایند.

روشن است که دامنه اختلاف مردم فقط در بردارنده مسائل دنیوی نیست و حل اختلاف مباحث، با ابهام و تناقض امکان پذیر نخواهد بود. قرآن خود را کتاب هدایت می‌خواند «یَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء: ۹) این قرآن به راهی هدایت می‌کند که مستقیم‌ترین راه است. آیات امر هدایت که نیازمند روشنی است، با وجود تناقض و ابهام که مانعی بر سر روشنی و هدایت تلقی می‌شود، سازگارند؟ بنابراین کتاب هدایتگر قاعدتاً نباید به تناقض، ابهام، تنافی و هر آن چیزی دامن بزند که مانعی بر سر هدایت تلقی می‌شود.

همچنین قرآن می‌فرماید: «وَلَوْ كَانُ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء: ۸۲) اگر این قرآن نازل شده از سوی خدا نبود، هر آینه در آن ناسازگاری‌های بسیاری می‌یافتند. و می‌دانیم که قرآن کتاب خداست، پس در آن تناقض، ناسازگاری و اختلافی نخواهد بود. در اینجا دو نکته شایسته یاد کرد است:

نکته اول: قرآن پیش از این آیه، به تدبر و درنگ در آیات الهی ترغیب کرده است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ» (نساء: ۸۲) تدبر دو معنا دارد:

الف) اندیشیدن در آیه‌ای از قرآن در پی آیه دیگر. این معنا بازگو کننده این نکته است که فهم پاره‌ای از آیات با جستجو در آیات دیگر ممکن است.

ب) در یک آیه پی‌درپی اندیشیدن و این به معنای تمرکز در آیه برای فهم معنای آن است.

مبتنی بر معنای دوم، ارتباط ساختاری قرآن امر چندان قابل توجهی نخواهد بود، اما مبتنی بر معنای اول تدبّر، قرآن به مثابه یک کل است و نگرش جزئی و بدور از فهم ساختاری و مجموعه‌ای، نمی‌تواند مسئله فهم آیات و تدبّر در آن را تسهیل بخشد یا حتی امکان پذیر نماید. بنابراین آیه یاد شده، نبود تناقض را در قرآن (قطعی می‌گیرد و این نکته را) ناشی از حیانی بودن آن می‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۰).

نکته دوم: شاید کسی تصور کند قرآن در بردارندگی اختلاف و ناسازگاری‌های فراوان (اختلافاً کثیراً) را از خویش دور می‌داند، پس چه اشکالی دارد که قرآن مبتنی بر چند تناقض و ناسازگاری جزئی و اندک باشد؟ در پاسخ باید گفت با توجه به منشأ حیانی بودن قرآن، وجود اختلاف در قرآن، بی‌آنکه به کمیت آن پردازیم، بزرگ و کثیر قلمداد می‌شود.

۲-۵. نفی پرسش حقیقی و اثبات پرسش‌های مجازی

مبتنی بر گزارش قرآن کریم از گناه مجرمان در قیامت پرسش نمی‌شود: «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن: ۳۹)؛ پس در آن روز از گناه هیچ یک از آدمیان یا اجنه پرسش نمی‌شود. یا: «لَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ» (قصص: ۷۸)؛ از گناه مجرمان در قیامت پرسش نمی‌شود. این در حالی است که در آیات دیگری، بر استنطاق و پرسش از همگان - مجرم باشند یا مطیع - تأکید شده است. به عنوان نمونه: «فَلَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ» (اعراف: ۶)؛ بی‌گمان از کسانی که پیامبران را به سوی آنها فرستادیم، سؤال خواهیم کرد. یا: «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (حجر: ۹۳-۹۲)؛ خدای را سوگند از همه آنها سؤال خواهیم کرد، از رفتارهایشان. وجود چنین آیاتی در قرآن باعث شده که برخی به عمد یا غیر عمد در این دسته از آیات ادعای تناقض نمایند (سها، ۱۳۹۳، ص ۷۹۱). این است که قرآن پژوهان و مفسران راه حل‌هایی را برای توجیه تناقض‌نمایی این دسته از آیات ارائه کرده‌اند:

۱) در قیامت از اعمال و کردار هیچ کس پرسش نمی‌شود، زیرا اعمال انسان‌ها نزد خداوند متعال معلوم است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۱۸۸) بلکه از انگیزه فعل مجرمانه پرسش می‌شود که چرا مرتکب آن گناه و عمل مجرمانه شدید؟ (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۲۰۱). البته جوادی آملی می‌فرماید:

«میان اعمال جوانحی و جوارحی فرقی نیست و هر دو قسم مکتوب و مشهود خداست بنابراین انگیزه‌ی انسان نیز در پرونده ثبت و مکتوب و خدا به آن آگاه است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ» (بقره: ۲۳۵) و بدانید خداوند آنچه را در دل دارید، می‌داند! از مخالفت او به پرهیزید.

یا «وَأِنْ تَبَدَّلُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوا بِمَا سَبَّحْتُمْ بِهِ اللَّهُ» (بقره: ۲۸۴) اگر آنچه را در دل دارید، آشکار سازید یا پنهان، خداوند شما را بر طبق آن، محاسبه می‌کند» (جوادی، ۱۳۹۲، ج ۱۲، ص ۶۶۳؛ جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۲۸، ص ۱۰۴).

در پاسخ به این نکته می‌توان گفت: جناب فخر رازی مبتنی بر یک فهم عرفی این نکته را آورده تا برای خواننده قابل فهم‌تر باشد، زیرا اولاً در همین دادگاه‌های دنیایی نیز بیش از عمل بر انگیزه عمل پای می‌فشارند. ثانیاً پای فشردن بر دواعی اعمال و صوارف آن به معنای مهم گرفتن فعل و ترک فعل است.

۲) برخی دیگر از قرآن پژوهان، معتقدند در قیامت از فروع و شرایع دین پرسش نمی‌شود و آیات نافی پرسش ناظر بر چنین مواردی است، اما از توحید و تصدیق پیامبران پرسش خواهد شد که آیات مثبت پرسش، ناظر بر چنین امری است (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۰).

۳) صاحب تفسیر منهج الصادقین بر این باور است که به هنگام رستاخیز و خروج مردگان از قبر، پرسشی از ایشان صورت نمی‌گیرد، اما به هنگام حساب از همگان - مجرم باشند یا مطیع - پرسش خواهد شد (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۹، ص ۱۲۶).

۴) از آنجا که مجرمان با چهره خویش - که سیاه و تیره است - از مؤمنان باز شناخته می‌شوند و رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر درون از ایشان سؤال نخواهد شد (رشید رضا، ۱۴۲۸، ج ۸، ص ۲۵۴؛ صادقی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۹؛ سید قطب، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۴۹) و آیات نافی سؤال ناظر بر این مسأله است.

۵) آیات نافی پرسش به هنگام ظهور قیامت و آیات مثبت پرسش مربوط به زمان محاسبه اعمال است (شریف لاهیجی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۳۵۱).

۶) سؤال حقیقی و تقریری از مجرمان پرسیده نمی‌شود و آیات نافی پرسش، بر این نکته نظر دارد، اما از آنان سؤال توییحی، افضاحی و تعذیبی پرسیده می‌شود و آیات مثبت پرسش به این مسأله توجه می‌دهد (شوکانی، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۱۷۱؛ جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۲۸، ص ۱۱۰).

۷) از مجرمان سؤال زبانی و تقریری که بخواهند با همین لسان دنیایی توضیح دهند، چیزی پرسیده نمی‌شود و آیات نافی پرسش ناظر بر این مسئله است، اما پرسشی که پاسخ آن بر عهده اعضای بدن است ارائه می‌شود و آیات مثبت پرسش معطوف به این نکته است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۹۰).

۸) آیاتی که نافی پرسش است ناظر به مجرمانی است که به دلیل کثرت جرایم و ارتکاب انواع فسق و فجور، اعمال مجرمانه‌شان از حد پرس‌وجو فراتر رفته و بدون آن مجازاتشان

مشخص است (بهرام پور، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۱۳۱؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۲۶۷) و آیات مثبت پرسش به مجرمانی غیر از آنان اشاره دارد.

۹) آیات نافی پرسش مربوط به روزگار مجرمان در جهنم - یا به هنگام سرازیر شدن بدان - است؛ زیرا قبلاً اعمالشان احصاء شده است (زحیلی، ۱۴۳۰، ج ۱۴، ص ۲۲۴) و آیات مثبت پرسش به پیش از آن نظر دارد.

از طرفی موضوع آیات دال بر پرسش و آیات نافی پرسش با هم فرق می‌کنند، و در واقع این دو دسته از آیات در موضوع اختلاف دارند (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۸۴) یعنی موضوع پرسش حقیقی که برای روشن شدن مسئله طرح می‌شود، منتفی است، اما برای سرزنش، ملامت و یا به علل مختلف دیگر که همان سؤال مجازی است، از مجرمان سؤال می‌شود. بنابراین آیات نافی پرسش استفهام و سؤال حقیقی را منتفی می‌داند چون خداوند بر هر چیزی آگاه است: «وَمَا يُغْزِبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» (یونس: ۶۱) البته همه سؤال‌های خداوند بر یک نوع نیست، پاره‌ای برای اقرار مجرمان، پاره‌ای به غرض ملامت و گاه به علل دیگر است. همچنین آن پرسش‌ها، همه‌جا نیست، قیامت موافق مختلفی دارد که در بعضی از آن سؤال جاری است و در بعضی دیگر سؤالی نیست.

پس موضوع آیات دسته اول نافی سؤال از مجرمان است، به قرینه آیات دیگر که می‌فرماید: «يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ» (الرحمن: ۴۱) نفی سؤال حقیقی و اثبات ضمنی سؤال مجازی و توبیخی است. اما موضوع آیات دسته دوم که مبتنی بر آن از همه مردم (حتی پیامبران) سؤال خواهد شد، به قرینه آیات بعدی که می‌فرماید: «فَلَنَنْصُرَنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ» (اعراف: ۷) استفهام حقیقی است، حال این پرسش مطرح می‌شود که از مردم و پیامبران درباره چه چیزی سؤال می‌شود؟ برخی از مفسرین می‌گویند هر کدام از آن‌ها در حدود انجام وظیفه خود سؤال شوند. در واقع از مردم درباره اجابت و قبول سخن پیامبران و از رسولان درباره ادای رسالت و ابلاغ احکام، سؤال خواهد شد (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۳۴۹).

۳-۵. نفی پرسش در پاره‌ای از موافق و اثبات آن در موافق دیگر

قرآن کریم گفتگوی مجرمان با یکدیگر و همپرسی را نفی می‌کند: «وَيَوْمَ يَنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ * فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ» (قصص: ۶۶-۶۵)؛ بیمناک باشید از روزی که خداوند آن‌ها را ندا می‌دهد و می‌گوید: به پیامبران چه پاسخی گفتید؟ در این هنگام همه اخبار بر آنها پوشیده می‌ماند (حتی نمی‌توانند) از یکدیگر سؤال کنند.

نیز «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ» (مؤمنون: ۱۰۱) هنگامی که در صورت دمیده شود، هیچ‌گونه نسبتی میان آن‌ها نخواهد بود و از یکدیگر هیچ نمی‌پرسند. با این همه، آیات متعدد دیگر بر این که مجرمان در قیامت یا یکدیگر پرسش و گفتگو دارند دلالت می‌کند: «وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ» (صافات: ۲۷) و در این حال آن‌ها رو به یکدیگر کرده و از هم سؤال می‌کنند. یا «وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ» (طور: ۲۵) در این هنگام رو به یکدیگر کرده (از گذشته) سؤال می‌نمایند.

نیز در سوره سبا گفتگوی اهل جهنم با یکدیگر و در آیات ۳۹ تا ۴۷ سوره مدثر سؤال و جواب بین اهل بهشت و جهنم تأیید و نقل شده است و این سبب شده عده‌ای از روی عمد یا غیرعمد در این دسته از آیات ادعای تناقض نمایند. (سها، ۱۳۹۳، ص ۷۸۷) قرآن‌پژوهان و مفسران تناقض‌نمایی این دسته از آیات را به صورت‌های گونه‌گون پاسخ داده‌اند:

۱) طبق آیات قرآن کریم دو بار نفخ صور اتفاق می‌افتد: یک بار در پایان حیات این جهانی که پس از نفخ صور هر آنچه و هر آن‌که در آسمان و زمین است، می‌میرد. سپس با نفخ صور دوم رستاخیز برپا می‌گردد و انسان‌ها دوباره زنده و آماده حساب و جزا می‌شوند: «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعَقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ» (زمر: ۶۸) و در صورت دمیده می‌شود و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، می‌میرند مگر کسانی که خدا بخواهد، سپس بار دیگر در صورت دمیده می‌شود، ناگهان همگی به پا می‌خیزند، و در انتظار (حساب و جزا) هستند. پس آیاتی که تسائل و گفتگوی مجرمان را با یکدیگر نفی می‌کنند، مربوط به نفخ صور اول است، اما در نفخ صور دوم تسائل و گفتگو میان افراد و خویشاوندان وجود دارد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۰۴).

۲) قیامت دارای مراحل است که در برخی از مراحل گفتگو و سؤال جاری است، و در برخی از مراحل پرسش و پاسخی نیست. (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۵۶؛ زحیلی، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۵۰۲). به تعبیر برخی دیگر در پاره‌ای از آن پرسش است و در پاره‌ای انتظار پرسش (مغنیه، ۱۳۹۲، ۱۰۰۷) یا اصلاً سکوت در آنجا حاکم است (قرائتی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۶) و به تعبیر برخی در پاره‌ای از مواقف پرسش، در پاره‌ای عدم پرسش، در بخشی دفاع از خود، در مواردی بهانه‌گیری و گناه را به گردن دیگری انداختن است و در پاره‌ای اصلاً اجازه تکلم داده نمی‌شود (سید قطب، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۴۹).

۳) برای قیامت مواقفی برشمرده شده است که در بعضی از موقف‌ها پرسش جاری است، و در بعضی از مواقف از هیچ‌کس چیزی نمی‌پرسند (ر.ک: ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۲۳۲).

۴) قیامت دارای حالات و موافقی است که در پاره‌ای از آن مردم چنان به خود مشغولند که از یکدیگر سؤال نمی‌کنند و در برخی از حالات سؤال می‌کنند. ابن عباس می‌گوید: «هذه تارات يوم القيمة» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۹۰)؛ یعنی در قیامت برای انسان حالات مختلفی است؛ در بعضی اوقات مردم همدیگر را می‌شناسند و با هم سؤال می‌کنند و بعضی اوقات شدت هول و وحشت قیامت آنان را مشغول به خود می‌گرداند.

۵) این آیات هیچ‌گونه تناقضی ندارند؛ زیرا آیاتی که سؤال و گفتگو را اثبات می‌کنند، مربوط به تسائل اهل بهشت بعد از ورود به بهشت و تسائل اهل جهنم بعد از ورود به جهنم است، اما آیاتی که تسائل و گفتگو را نفی می‌کنند، مربوط به تسائل به هنگامه حساب است و قرآن تسائل اهل محشر را در آن هنگام نفی می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۷۰).

۵-۴. توجه به موضوع شناسی آیات، رافع تناقض نمایی آن

مدعیان تناقض‌نمایی در این دسته از آیات فقط بر واژه «يَسْأَلُونَ» توجه کرده و اثبات آن در آیاتی و عدم اثبات آن در آیات دیگر را دستاویز تناقض‌نمایی قرار داده‌اند، بدون اینکه به سیاق هر کدام از آیات و جایگاه سؤال کنندگان عطف توجهی نشان دهند. چنانکه می‌دانیم از شرایط تناقض بین دو گزاره، اتحاد آن دو از جهت زمان و مکان است، اما این آیات با توجه به سیاق‌شان، فاقد این شرط می‌باشند؛ زیرا از جهت زمانی و مکانی یکی نیستند. پس تناقضی بین این دسته از آیات برقرار نیست. برای روشن شدن موضوع اینک پاره‌ای از آیات را از نظر می‌گذرانیم:

الف) «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ» (مؤمنون: ۱۰۱).

این آیه صحنه‌ای را به تصویر می‌کشد که با آیات دیگر بحث از جهت زمان و مکان متفاوت است. از سیاق‌های سوره مؤمنون، عرصه جدایی از این دنیا، ورود به برزخ، برپایی عرصه حسابرسی اعمال و به رستگاری رسیدن یا دچار عذاب الهی شدن انسان‌ها است. که آیات مورد بحث بدان اشاره می‌کنند.

آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون به وضعیت گناهکاران در آستانه مرگ اشاره کرده و می‌فرمایند: گناهکاران و مشرکان هنگامی که خود را در حال جدا شدن از این دنیا و قرار گرفتن در سرای آخرت می‌بینند، پرده‌های غفلت از مقابل دیدگانشان کنار رفته، سرنوشت در انتظار را نظاره می‌کنند. اینجاست که مصرانه و به تمنا از خدا می‌خواهند آنان را به دنیا بازگرداند، تا تکالیف بر زمین نهاده جبران شود و نیک کاری پیشه کنند خداوند با رد درخواستشان می‌فرماید: این فقط سخنی است که بر زبان می‌آورند و اگر باز گردند، رویه‌شان چون سابق خواهد بود.

در ادامه آیات به عالم برزخ که حد فاصل دنیا و آخرت است، اشاره می‌کند. پس از مرگ، روح از بدن انسان جدا شده، به عالم برزخ می‌رود: «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (مؤمنون: ۱۰۰) پشت سر آنها برزخی است تا روزی که برانگیخته می‌شوند و در قیامت با زنده شدن مردگان، این روح به جسم آنها ملحق می‌شود.

مبتنی بر آیه «وَتُفْحَفُ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ» (زمر: ۶۸) دو بار در صور دمیده می‌شود: یک بار در پایان عمر این دنیا که موجب مرگ همه موجودات زنده می‌شود و بار دیگر به هنگام برپایی قیامت که موجب زنده شدن مردگان شده و انسان‌ها آماده حسابرسی و شروع زندگی جدید می‌شوند. با توجه به آیات قبل که درباره مرگ و ورود به عالم برزخ بود، مراد از صور در این آیه، صور دوم خواهد بود که برپایی و حسابرسی در آخرت را به دنبال دارد.

بنابراین آیه ۱۰۱ سوره مؤمنون که در آن از «وَلَا يَسْأَلُونَ» سخن به میان آمده، صحنه هولناک و دشوار صحرای محشر را به تصویر می‌کشد. در آن لحظه نفس‌گیر هر کس در فکر نجات خویش بوده، نه تنها از یکدیگر سؤال و طلب کمک نمی‌کنند، بلکه سختی آن پیوندهای خویشاوندی را نیز از هم گسیخته می‌سازد.

ب) «وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ * فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَسْأَلُونَ» (قصص: ۶۶-۶۵)

این آیات عطف است بر آیه «يَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ» (قصص: ۶۲) که حاوی دو سؤال صریح و ضمنی از مشرکان است و آن اینکه شرکائی که برای خدا قائل شدید کجا هستید و چرا از آنها کمک نمی‌طلبید؟ این پرسش دوم، پرسش ضمنی است و نبود پاسخ هر یک از آن، اثبات دعوی باطل خدایان شرک است. در آیات مورد بحث، سؤال دوم را مطرح می‌کند که چه پاسخی برای رسولان که از طرف خداوند متعال آمده بودند، دادید؟

در ادامه آیات به صورت استعاره می‌فرماید: اخبار بر ایشان کور می‌شود؛ یعنی در موقعیتی قرار می‌گیرند که هیچ خبر و پاسخی برای آن سؤال‌ها نخواهند داشت. حتی بین آنها هیچ سؤال و جوابی رد و بدل نمی‌شود. چنانچه ملاحظه می‌شود، سیاق آیات صحنه هولناک و دشوار روز محشر و حسابرسی را به تصویر می‌کشند که مانند آیه ۱۰۱ سوره مؤمنون به برپایی قیامت و روز حسابرسی اشاره دارد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت به آیات تناقض‌نمایی پرسمان گناهکاران سه جواب کلی داده شده است؛

۱- **تعداد مواقف؛** در بعضی از مواقف سؤال و پرسمان است و در بعضی از مواقف هیچ سؤالی پرسیده نمی‌شود.

۲- **تفاوت پرسش‌ها؛** پرسش در قیامت پنج صورت دارد: استفهام و استعلام، طلب، توبیخ، تقریر و استشهاد. پرسش استفهام و استعلام برخواسته از جهل است و درباره خداوند متعال معنا ندارد. پرسش توبیخی و تقریری مختص خداست: «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ» (آل عمران: ۹۷) پرسش استشهادی میان خدا و بنده مشترک بوده که پرسش خدا از پیامبران استشهادی خواهد بود. بنابراین آیاتی که پرسش را نفی می‌کنند مقصودشان نفی پرسش استفهامی است و آیاتی که مثبت پرسش هستند، مرادشان پرسش توبیخی و تقریری است. پرسش تقریری مقدمه محاسبه است تا با اقرار، محکومیت‌شان ثابت شود.

۳- **تعدد مسؤل عنه؛** مراد از آیات نفی پرسش، نرسیدن از اعمالی است که در پرونده‌هاست و مقصود از آیات مثبت پرسش، پرسش از دواعی و انگیزه‌هاست. این سخن فخر رازی بود که پاسخ آن نیز ارائه شد.

نتیجه‌گیری

مبتنی بر این پژوهش می‌توان نتایج ذیل را حاصل مطالعه در آیات پرسمان گناهکاران برشمرد:

۱- بین چند دسته از آیات که همه آن‌ها احوال معطوف به قیامت است، تناقض و ناسازگاری ظاهری وجود دارد. مانند آیاتی که دلالت بر پرسش از مجرمان در قیامت دارد با آیاتی که این پرسش و استنطاق را انکار می‌کند یا بر عدم آن دلالت می‌نماید.

۲- در یک پاسخ کلی می‌توان گفت، قرآن کتاب هدایت است و گزاره‌های متناقض، امر هدایت را مختل خواهد ساخت، بنابراین قرآن نمی‌تواند در بردارنده تناقض باشد.

۳- همچنین با درک و درنگ و ارجاع به قواعد تفسیر و از جمله مسئله بافت و سیاق و نیز شرائط تناقض، تناقض‌های پیش آمده حل و رفع خواهد شد. در واقع می‌توان گفت؛

الف) اگر پرسش از مجرمان، ناظر بر حقیقت باشد که برای کشف واقعیت مسئله است، نفی می‌شود؛ زیرا خداوند بر همه چیز آگاه است و اگر پرسش از گناهکاران ناظر بر مجاز باشد، یا به هدف توبیخ و ملامت و نه کشف واقعیت مسئله، اثبات می‌گردد. پس آیاتی که دلالت بر پرسش از مجرمان دارد، پرسش مجازی و توبیخی را اثبات می‌نماید و آیاتی که پرسش از مجرمان را انکار می‌کند، ناظر بر پرسش حقیقی خداوند از گناهکاران است.

ب) از آنجا که قیامت دارای مواقف فراوانی است، در پاره‌ای از آن‌ها، پرسش وجود نخواهد داشت و مبتنی بر شرائط مقتضی در پاره‌ای دیگر از مواقف، از مجرمان پرسش می‌شود و توجه

به اختلاف مواقف و مکان‌ها، بر طرف‌کننده تناقض ظاهری آیات است؛ زیرا از شرایط اصلی تناقض، وحدت (موقف) مکان است.

ج) آیاتی که نافی پرسش هستند، آن آیات صحنه صحرای محشر را به تصویر می‌کشند که در آن لحظه به خاطر ترس و وحشت، هیچ‌گونه تسائل و پرسشی در کار نیست، اما آیاتی که مثبت پرسش هستند مربوط به تسائل مجرمان بعد از ورود به جهنم است.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم

ابن عطیه اندلسی، عبدالحق (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه محمد علی بیضون.

ابن منظور، محمد (۱۴۱۰ق)، *لسان العرب*، بیروت: انتشارات دار الفکر.

انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۸۴)، *فرهنگ کامل فارسی*، تهران: انتشارات زوآر.

بقلی شیرازی، روزبهان (۱۳۸۸)، *عرایس البیان*، ترجمه و تحقیق علی بابایی، تهران: انتشارات مولا.

بهرام‌پور، ابوالفضل (۱۳۹۳)، *نسیم حیات*، قم: انتشارات هجرت.

ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲)، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.

جرجانی، علی (۱۴۲۱ق)، *التعریفات*، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه محمد علی بیضون.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، *تفسیر تسنیم*، قم: انتشارات اسراء.

حقی بروسوی، اسماعیل (بی‌تا)، *تفسیر روح البیان*، بیروت: انتشارات دارالفکر.

راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ قرآن*، مصحح: داوودی، صفوان عدنان، بیروت: انتشارات دار الشامیه.

رشید رضا، محمد (۱۴۲۸)، *المناور*، بیروت: انتشارات دار الفکر.

زحیلی، وهبه (۱۴۳۰)، *تفسیر المنیر*، دمشق: انتشارات دار الفکر.

زرکشی، محمد (۱۴۱۰ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: انتشارات دارالمعرفه.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی.

- سها، (۱۳۹۳)، *نقد قرآن*، ویرایش دوم، www.azadieiran2.wordpress.com.
- سید قطب، سید محمد (۱۳۸۷)، *فی ضلال القرآن*، ترجمه مصطفی خرم دل، تهران: انتشارات احسان.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت: انتشارات دارالکتب العربی.
- شبر، عبدالله (۱۴۳۱)، *الجواهر الثمین*، قم: انتشارات ذوی القربی.
- شریف لاهیجی، بهاء الدین (۱۳۹۰)، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران: انتشارات ولایت.
- شلتوت، شیخ محمود (۱۳۸۲)، *تفسیر قرآن کریم* «ده جزء اول قرآن»، ترجمه محمد رضا عطایی، مشهد: به نشر.
- شوکانی، محمد بن علی بن محمد (۱۴۲۹)، *فتح القدير*، بیروت: انتشارات ابناء شریف انصاری.
- صادقی، محمد (۱۴۱۰)، *الفرقان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات دارالعلم.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: انتشارات الصدر.
- قرائتی، محسن (۱۳۹۱)، *تفسیر نور*، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری (۱۴۲۶)، *الجامع الاحکام القرآن*، بیروت: دارالکتب العربی.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶ش)، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
- محمد المدرس، عبدالکریم (۱۴۳۵)، *مواهب الرحمن*، بیروت: انتشارات دار الاحیاء التراث العربی.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ معین*، تهران: انتشارات ثامن.
- مغنیه، محمد جواد (۱۳۹۲)، *تفسیر المبین*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰)، *تفسیر نمونه*، تهران: اسلامیه.
- میبدی، رشید الدین (۱۳۷۱)، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ولایتی، مریم (۱۳۹۷)، «نقد دیدگاه فایرستون درباره ناسازگاری در آموزه‌های قرآنی جهاد»، *دوفصلنامه علمی مطالعات قرآن و حدیث*، دوره ۱۱، شماره ۲.